

**سند تفصیلی برنامه ششم اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی استان گیلان
فرابخش توسعه روستایی، عشایری و
توانمند سازی گروه های کم در آمد**

سرآغاز

مناطق روستایی استان گیلان؛ همواره نقش مهمی در تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی پیرامون خود داشته اند. این نواحی با خلق مراکز بازاری در ایجاد جریان سیال کالا نقش داشته اند. باگذشت زمان و با حاکمیت اقتصاد مبتنی بر نفت و جریان یک سویه کالا و خدمات از مرکز سیاسی کشور به سایر نقاط، رشد متعادل روستا - شهری و تعاملات اقتصادی و اجتماعی آنها به هم خورده و هم اکنون به دلیل یک سویه و غیر عملکردی بودن اقتصاد آنها و انتقال مزاددهای اقتصادی از پیرامون به مرکز سیاسی، از منابع مالی و درآمدی کمتری برای تأمین خدمات اجتماعی برخوردار بوده تا همیشه به کمک های دولتی نیازمند باشند.

در واقع توسعه روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می کند؛ چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده ی نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می تواند نقش موثری در توسعه منطقه ای و ملی داشته باشد. حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه روستایی، وقفه ای ایجاد شود؛ به گونه ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده ی خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین؛ گسترش می یابد. از این رو باید به این موضوع ادعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه ای، شهری، روستایی و عشایری است. در اهمیت و جایگاه جامعه روستایی و عشایری در امنیت سرزمینی و مرزی، در تولید، اقتصاد و ارزش افزوده ملی، حفظ فرهنگ و میراث طبیعی و فرهنگی همین نکته کافی است که بدانیم حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی، حدود ۲۵ درصد صادرات غیرنفتی، ۲۵

درصد اشتغال کشور، ۷۰ الی ۸۰ درصد نیازهای غذایی کشور به دستان توانمند زنان و مردان زحمتکش روستایی و عشایری تهیه و تامین می شود و هنوز ۲۳ درصد از شاغلان کل کشور در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند.

۱- بررسی عملکرد گذشته و تبیین وضع موجود

۱-۱- توصیف و تحلیل وضع موجود توزیع

۱-۱-۱- استقرار سکونتگاه‌های روستایی استان

با توجه به این که بخش قابل توجهی از نیمه ی جنوبی استان در منطقه ی کوهستانی قرار گرفته، امکان سکونت در این مناطق با مشکلات فراوانی همراه بوده و لذا بیش از نیمی از سکونت گاه های روستایی در نواحی دشتی و جلگه‌ای بین رشته کوه‌های البرز و تالش تا دریای کاسپین قرار گرفته‌اند. به عبارتی توپوگرافی نقش بسیار مهمی در توزیع فضایی روستاهای استان ایفا کرده است. به تبعیت از همین موضوع، در پراکندگی سکونت گاه‌های روستایی استان، دشت-ها بیشترین سهم از سایر موقعیت‌های طبیعی استان را دارند، به طوری که بیش از ۴۶/۶ درصد از آبادی های استان در موقعیت دشتی مستقر شده‌اند. پس از آن ۲۲/۲ درصد از آبادی های استان در کوهستان‌ها قرار گرفته‌اند. آبادی هایی که در موقعیت جنگلی واقع در دشت و همچنین جنگلی واقع در کوهستان یا تپه قرار گرفته‌اند، به ترتیب ۲۱/۱ و ۸/۱ درصد از کل آبادی های استان را شامل می‌شوند. متوسط جمعیت آبادی‌های موقعیت دشتی ۴ برابر این مقدار در آبادی‌های کوهستانی است.

۱-۱-۲- اندازه روستاهای استان بر اساس جمعیت

تعداد روستاهای دارای سکنه استان گیلان از ۲۷۰۰ آبادی در سال ۱۳۷۵ به ۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. در این بازه زمانی از مجموع روستاهای استان در سال ۱۳۷۵، تعداد ۱۰۸ روستا که معادل ۴ درصد کل روستاهای استان در این سال می‌باشد، کاسته شده است.

بررسی پراکنش تعداد روستاها بر حسب طبقات جمعیتی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ بیشترین تعداد روستاهای استان در طبقات جمعیتی کمتر از ۵۰۰ نفر قرار دارند، اما از نظر تعداد جمعیت، علیرغم تعداد بسیار کمتر روستاهای بالای ۵۰۰ نفر جمعیت، بیشترین جمعیت روستایی استان در این گروه از روستاها مستقر هستند. بر این اساس، از مجموع ۲۵۹۲ روستای استان در سال ۱۳۹۰، تعداد ۱۹۶۳ روستا، معادل ۷۶ درصد کل روستاهای استان دارای کمتر از ۵۰۰ نفر جمعیت می‌باشند، این در حالی است که این گروه از روستاها تنها ۳۳ درصد از کل جمعیت روستایی استان را در خود جای داده‌اند. آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰، تعداد روستاهای دارای ۵۰۰ نفر جمعیت و بالاتر استان برابر با ۶۲۹ روستا است که بیش از ۶۵۶ هزار نفر (۶۷ درصد) از کل جمعیت روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند.

جمعیت روستایی استان از ۱۱۹۱۴۸۱ نفر در سال ۱۳۷۵ با ۱۷/۵ درصد کاهش به ۹۸۳۷۰۱ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بررسی توزیع جمعیت روستایی استان در روستاهای با اندازه‌های جمعیتی مختلف نیز نشان می‌دهد که طی دوره ۹۰-۱۳۷۵ در میان تمامی طبقات مورد بررسی، روستاهای دارای کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت هم به لحاظ تعداد روستا و هم از نظر تعداد جمعیت با افزایش مواجه بوده‌اند، در حالیکه در سایر طبقات، تعداد روستاها و جمعیت مربوط به هر طبقه جمعیتی کاهش نشان می‌دهد. بنابراین طی دوره مورد بررسی، همزمان هم بر تعداد روستاهای کوچک تر و هم بر سهمی از جمعیت روستایی که در روستاهای کوچکتر زندگی می‌کنند افزوده شده است. از سوی دیگر سهم جمعیت روستایی ساکن در روستاهای با بیش از ۵۰۰ نفر جمعیت از ۷۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۶۷ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

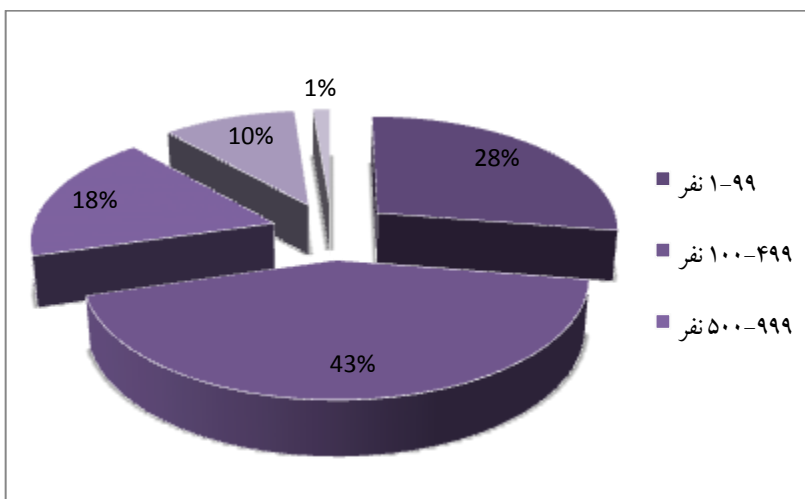
جدول ۱- پراکنش تعداد روستاها و جمعیت روستایی استان گیلان بر حسب طبقات جمعیتی: ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰

۱۳۹۰		۱۳۷۵		سالها طبقات جمعیتی
کل جمعیت	تعداد روستا	کل جمعیت	تعداد روستا	
۹۸۳۷۰۱	۲۵۹۲	۱۱۹۱۴۸۱	۲۷۰۰	جمع
۲۵۰۳۵	۸۴۱	۳۳۳۶۲	۷۴۳	۱-۹۹ نفر
۲۹۲۴۳۳	۱۱۲۲	۲۹۷۴۵۸	۱۱۵۹	۱۰۰-۴۹۹ نفر
۳۰۱۹۹۶	۴۲۳	۳۴۰۷۰۴	۴۸۶	۵۰۰-۹۹۹ نفر
۲۶۹۶۴۸	۱۸۰	۴۰۵۸۹۶	۲۷۷	۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر
۸۴۵۸۹	۲۶	۱۱۴۰۶۱	۳۵	۲۵۰۰ نفر و بالاتر

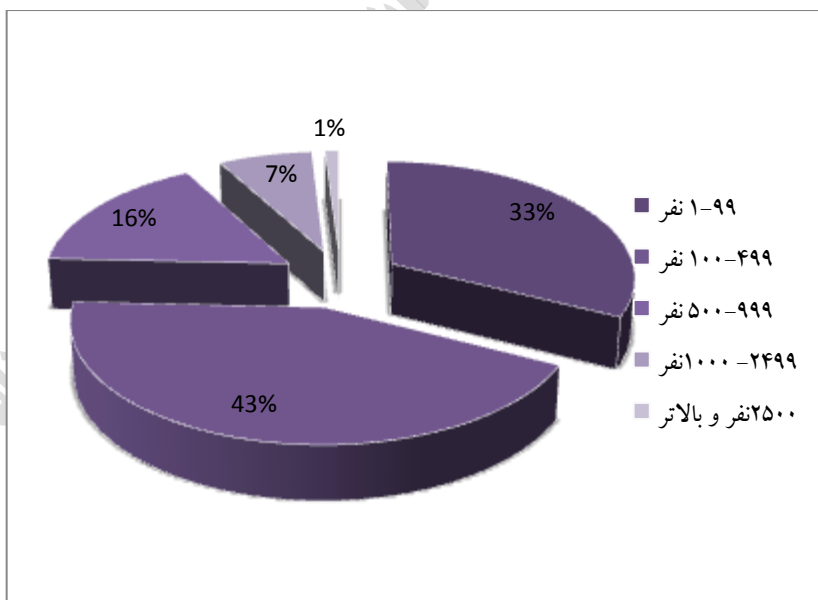
مأخذ: - مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ و سالنامه آماری استان

گیلان، سال ۱۳۹۰

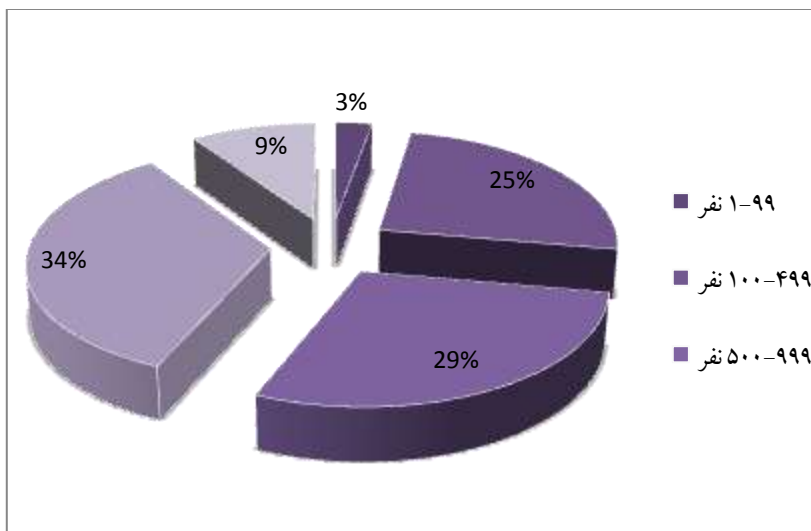
در یک جمع‌بندی از اندازه روستاها می‌توان چنین استدلال نمود که در سال ۱۳۷۵ روستاهای با کمتر از ۵۰۰ نفر جمعیت، ۷۰ درصد کل روستاهای استان را تشکیل می‌دهند، در حالی که تنها ۲۸ درصد جمعیت روستایی را در خود جای داده‌اند. در سال ۱۳۹۰ نیز، این گروه از روستاها ۷۶ درصد از کل روستاهای استان را تشکیل داده‌اند و ۳۳ درصد کل جمعیت روستایی استان در این روستاها سکونت داشته‌اند.



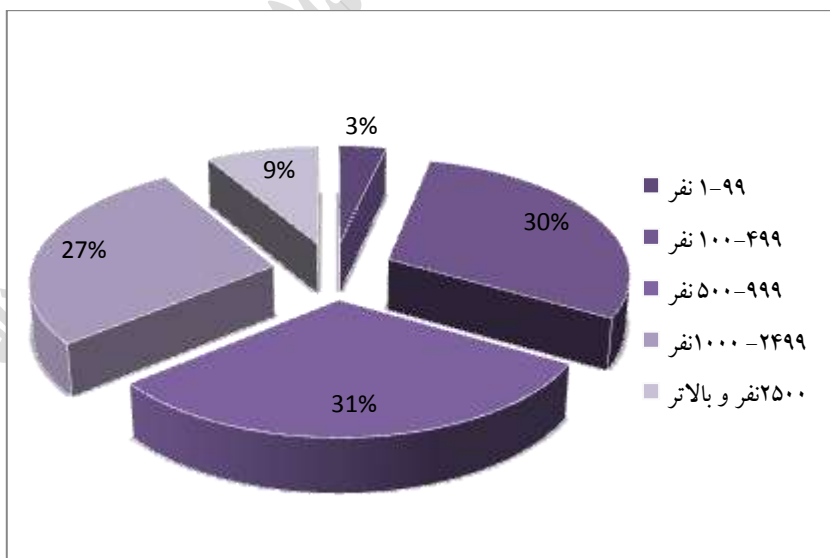
نمودار ۱- تعداد روستاهای استان در هر یک از طبقات جمعیتی - ۱۳۷۵ (درصد)



نمودار ۲- تعداد روستاهای استان در هر یک از طبقات جمعیتی - ۱۳۹۰ (درصد)



نمودار ۳- جمعیت روستاهای استان در هر یک از طبقات جمعیتی - ۱۳۷۵ (درصد)



نمودار ۴- جمعیت روستاهای استان در هر یک از طبقات جمعیتی - ۱۳۹۰ (درصد)
به طور کلی علت کاهش مطلق و نسبی تعداد روستاها و نیز جمعیت روستایی استان گیلان نسبت به سرشماری های پیشین را می توان در عوامل زیر جست و جو کرد:

۱- آبادی های کوهستانی گیلان، به طور پیوسته در حال خالی از سکنه شدن می باشند و برخی سکونت گاه ها از حالت دائمی به صورت فصلی در آمده اند و در سرشماری های سال های مختلف گاه دارای سکنه و گاه خالی از سکنه ذکر شده اند.

۲- روند مهاجرت های روستا - شهری، در بیشتر روستاهای گیلان و از جمله بسیاری از روستاهای جلگه ای گیلان نیز ادامه داشته است؛ چنانچه بیشتر آنها طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ دچار رشد منفی جمعیت بوده اند. تنها برخی روستاهای مرکزی و روستاهایی که در کرانه شهرهای بزرگ قرار دارند از رشد جمعیت برخوردار گردیده اند.

۳- برخی از روستاهای پرجمعیت که از ترکیب محله های متعدد و مشخصی تشکیل شده اند و از قلمرو آنها روستاهای جدیدی به فهرست آبادی ها افزوده می شود (به اصطلاح برخی محلات داخلی روستاها گُدار می شوند)؛ که این موجب افزایش تعداد روستا می شود.

۴- روستاهای مجاور شهرهای بزرگ و در حال گسترش، جذب این شهرها می شوند و بخش مسکونی آنها به محدوده ی کالبدی شهرها می پیوندند.

۵- روند تبدیل روستا به شهر طی سال های اخیر شتاب بیشتری یافته است. که گاه برای دست آوردن آستانه جمعیتی شهرشدن، روستاهای کوچکتر پیرامونی با آبادی های مرکزی و پرجمعیت ترکیب می شوند.

بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن، تعداد آبادی های دارای سکنه استان گیلان از ۲۷۰۷ روستا در سال ۱۳۶۵ به ۲۶۹۴ روستا در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. بدین ترتیب، در اثر الحاق برخی روستاها به شهرها و یا تبدیل شدن برخی دیگر به شهر، از مجموع روستاهای استان در سال ۱۳۶۵، طی مدت ۲۰ سال ۱۳ روستا کم شده است. تعداد روستاهای خالی از سکنه

استان در سال ۱۳۶۵ برابر با ۳۲۴ روستا و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۴۱ روستا می‌باشد. بدین ترتیب از مجموع روستاهای استان در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۱۱ درصد و ۹ درصد خالی از سکنه بوده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد، در سال ۱۳۶۵ شهرستان‌های تالش با ۷۲ روستا، رودسر با ۴۳ روستا، رودبار با ۳۴ روستا و سیاهکل با ۲۸ روستا بیشترین تعداد روستاهای خالی از سکنه را در خود جای داده‌اند. از مجموع ۳۲۴ روستای خالی از سکنه استان در سال یاد شده، در مجموع ۱۷۷ روستای خالی از سکنه در این چهار شهرستان قرار دارد. به عبارت دیگر شهرستان‌های یاد شده در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۵ درصد از کل روستاهای خالی از سکنه استان را به خود اختصاص داده‌اند. وجه عمومی اغلب این شهرستان‌ها کوهستانی بودن آنها است که در برخی از شهرستان‌ها بیشتر نقاط روستایی در مناطق کوهستانی متمرکز شده‌اند.

در سال ۱۳۹۰ نیز شهرستان‌های تالش با ۸۸ روستا، سیاهکل با ۵۵ روستا، رودبار و رودسر هر یک با ۴۱ روستا، بیشترین تعداد روستاهای خالی از سکنه را در خود جای داده‌اند. از مجموع ۳۳۱ روستای خالی از سکنه استان در سال ۱۳۹۰، مجموعاً ۲۲۵ روستا در این چهار شهرستان قرار دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۰ نیز همان شهرستان‌هایی دارای بیشترین تعداد روستاهای خالی از سکنه هستند که در سال ۱۳۶۵ و وجه عمومی اغلب آن‌ها کوهستانی بودن آنها و تمرکز نقاط روستایی در مناطق کوهستانی است.

جدول ۲- تعداد روستاهای خالی از سکنه استان گیلان بر حسب

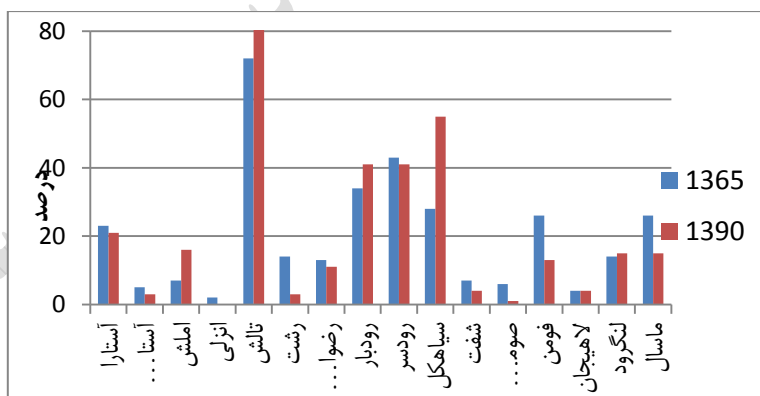
شهرستان

روستاهای خالی از سکنه		استان / شهرستان
۱۳۹۰	۱۳۶۵	
۳۳۱	۳۲۴	استان
۲۱	۲۳	آستارا
۳	۵	آستانه اشرفیه
۱۶	۷	املش
۰	۲	انزلی

جدول ۲- تعداد روستاهای خالی از سکنه استان گیلان بر حسب شهرستان

روستاهای خالی از سکنه		استان / شهرستان
۱۳۹۰	۱۳۶۵	
۸۸	۷۲	تالش
۳	۱۴	رشت
۱۱	۱۳	رضوانشهر
۴۱	۳۴	رودبار
۴۱	۴۳	رودسر
۵۵	۲۸	سیاهکل
۴	۷	شفق
۱	۶	صومعه سرا
۱۳	۲۶	فومن
۴	۴	لاهیجان
۱۵	۱۴	لنگرود
۱۵	۲۶	ماسال

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰



نمودار ۵- تعداد روستاهای خالی از سکنه استان گیلان به تفکیک شهرستان: ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰

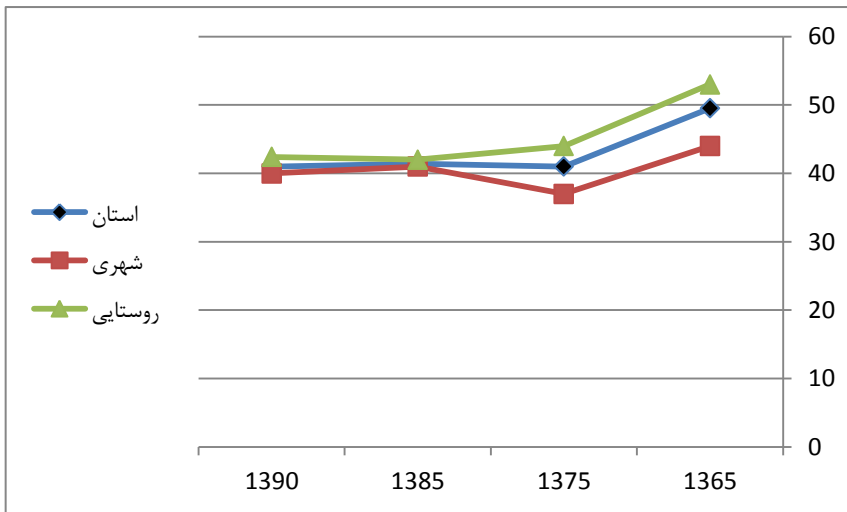
۳-۱-۱- بررسی ویژگی‌های اقتصادی جمعیت روستایی استان

نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان از ۴۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. این تغییرات در همین دوره در مناطق شهری از ۴۴ درصد به ۴۰ درصد و در مناطق روستایی از ۵۳ درصد به ۴۲/۴ درصد و در مورد مردان استان از ۷۱ درصد به ۶۸ درصد و در مورد زنان از ۲۷/۵ درصد به ۱۴/۶ درصد کاهش یافته است. طبعاً بالاتر بودن نرخ مشارکت اقتصادی نقاط روستایی در مقایسه با نقاط شهری به دلیل فعالیت اقتصادی بیشتر زنان روستایی و تمایل کمتر روستائیان به تحصیلات بالاتر می‌باشد. همچنین مسئولیت سرپرستی خانوار توسط مردان و وظایف خانه‌داری بر دوش زنان سبب گردیده تا نرخ مشارکت مردان تفاوت زیادی با زنان داشته باشد.

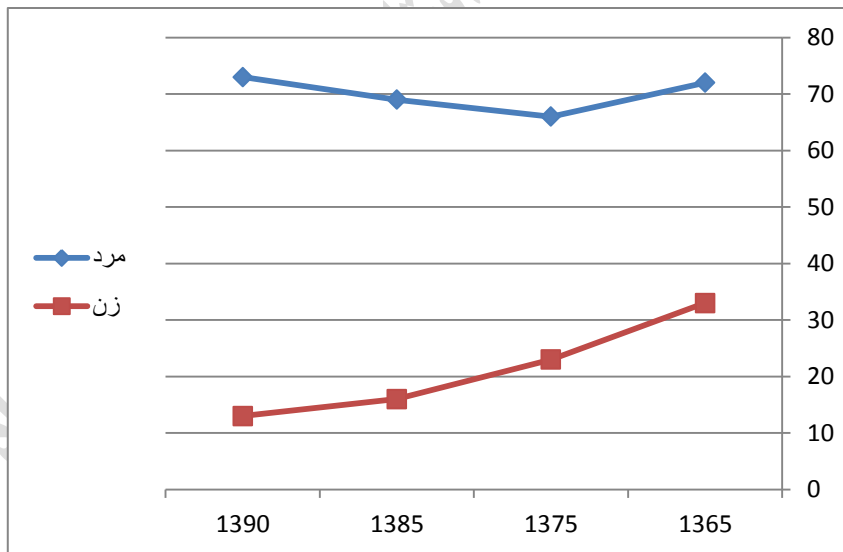
شکاف نرخ مشارکت بالای مردان و زنان از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۰ با نوساناتی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی استان استمرار داشته است (نمودارهای ۶ و ۷). اما شکاف نرخ مشارکت مناطق شهری و روستایی استان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در مقایسه با سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بسیار کم شده است و نشان می‌دهد که به دلیل تغییر رفتار جمعیت فعال اقتصادی روستایی و تا حدودی اشباع بودن ظرفیت‌های اشتغال روستایی به ویژه در بخش کشاورزی وضعیت فعالیت همانند مناطق شهری شده است.

جدول ۳- تحولات ویژگی های اقتصادی جمعیت گیلان به تفکیک مرد وزن در مناطق شهری و روستایی : ۹۰-۱۳۶۵ (نفر)

نرخ مشارکت (درصد)	جمعیت فعال اقتصادی			جمعیت +۱۰ ساله به بالا	سال ها
	بیکار جویای کار	شاغل	جمع		
مرد (شهری)					
۶۸	۳۳۲۴۱	۱۶۴۹۲۰	۱۹۸۱۶۱	۲۸۲۰۷۴	۱۳۶۵
۶۶	۲۷۶۱۷	۲۲۹۵۰۸	۲۵۷۱۴۵	۴۱۹۳۱۹	۱۳۷۵
۶۵	۳۹۳۷۶	۳۲۷۰۰۳	۳۶۶۳۷۹	۵۶۴۵۱۸	۱۳۸۵
۶۴	۶۰۵۹۴	۲۵۸۶۹۲	۴۱۹۲۸۶	۶۵۳۶۵۰	۱۳۹۰
زن (شهری)					
۱۷/۷	۱۸۲۲۸	۳۰۸۵۲	۴۹۰۸۰	۲۷۷۶۳۵	۱۳۶۵
۱۲/۳	۱۲۵۵۸	۴۳۲۸۵	۵۵۸۴۲	۴۱۹۷۹۳	۱۳۷۵
۱۷	۲۷۴۲۲	۶۹۲۹۸	۹۶۷۲۰	۵۵۶۹۰۱	۱۳۸۵
۱۶	۳۶۹۰۵	۶۹۷۶۹	۱۰۶۶۷۴	۶۶۶۶۴۶	۱۳۹۰
مرد (روستایی)					
۷۲	۴۴۵۳۷	۲۸۸۳۸۴	۳۳۲۹۲۱	۴۶۳۸۵۷	۱۳۶۵
۶۶	۳۹۱۰۴	۲۶۴۹۱۰	۳۰۴۰۱۴	۴۶۱۵۶۹	۱۳۷۵
۶۹	۴۰۷۹۸	۲۹۰۳۳۲	۳۳۱۱۳۱	۴۷۹۵۰۴	۱۳۸۵
۷۳	۲۹۷۴۴	۲۸۳۷۵۷	۳۱۳۵۰۱	۴۲۹۳۲۷	۱۳۹۰
زن (روستایی)					
۳۳	۱۷۷۸۵	۱۳۴۶۰۲	۱۵۲۳۸۷	۴۵۵۹۹۲	۱۳۶۵
۲۳	۱۸۵۲۲	۹۳۶۱۵	۱۱۲۱۴۷	۴۸۱۴۵۱	۱۳۷۵
۱۶	۲۲۵۴۲	۵۴۰۸۸	۷۶۶۳۰	۴۹۲۲۲۴	۱۳۸۵
۱۳	۷۷۷۳	۴۷۶۳۴	۵۵۴۰۷	۴۴۰۰۰۰	۱۳۹۰



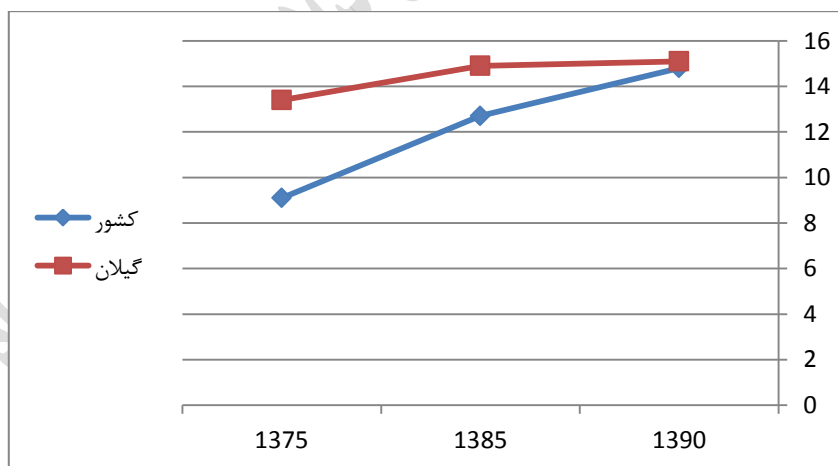
نمودار ۶- تحولات نرخ مشارکت استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی



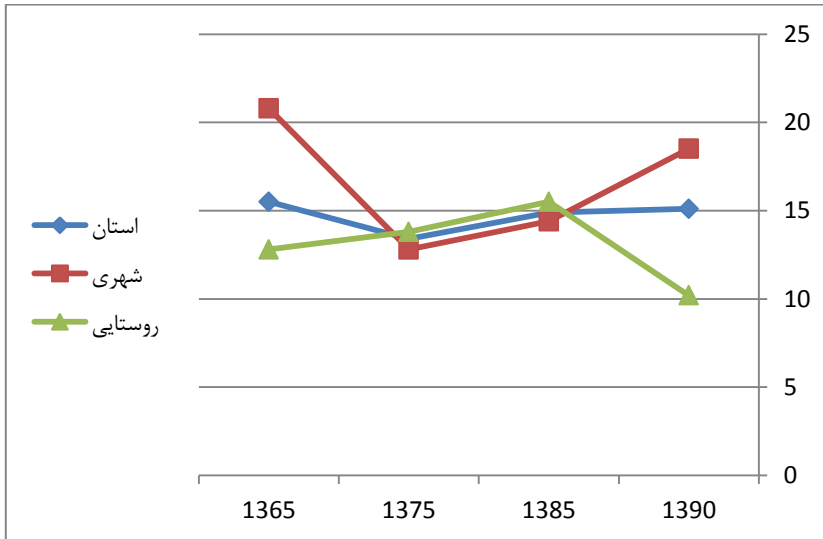
نمودار ۷- تحولات نرخ مشارکت روستایی استان به تفکیک جنس

مقایسه نرخ بیکاری مناطق شهری و روستایی استان بیانگر آن است که برعکس مناطق شهری که افزایش چشمگیری را در نرخ بیکاری ابتدا و انتهای دوره مورد بررسی (سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰) شاهد بوده‌ایم، در مناطق روستایی نرخ بیکاری سال‌های مذکور کاهش نشان می‌دهد. کاهش جمعیت فعال روستایی استان از یک سو و افزایش شتابان جمعیت شهری با مهاجرت از روستا به شهر در دوره‌های مورد بررسی، از عوامل عمده تغییرات نرخ بیکاری مناطق شهری و روستایی استان می‌باشد.

همچنین بررسی تغییرات نرخ بیکاری استان به تفکیک مردان و زنان نشان می‌دهد که علاوه بر بالاتر بودن نرخ بیکاری زنان در مقایسه با مردان استان، شکاف آن در پایان دوره‌های مورد بررسی افزایش چشمگیری را در مقایسه با ابتدای دوره (سال ۱۳۶۵) داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال ایجاد شده در دوره‌های مورد بررسی بیشتر به سمت مردان بوده و در کنار آن بر تعداد زنان جوای کار استان نیز افزوده شده است.



نمودار ۷- روند تغییرات نرخ بیکاری کشور و استان



نمودار ۸- روند تغییرات نرخ بیکاری استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی

۴-۱-۱- وضعیت اقتصادی

طی دوره (۸۴-۱۳۹۳) متوسط هزینه ی کل خانوارهای روستایی با رشد متوسط سالانه ۱۶/۲ درصد از رقم ۳۷۹۳۸ هزار ریال (ماهیانه حدود ۳۱۶۷ هزار ریال) در سال ۱۳۸۴ به ۱۴۷۱۹۵ هزار ریال (ماهیانه حدود ۱۲۲۶۶ هزار ریال) در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است و اجزای آن یعنی هزینه های خوراکی و دخانی و غیر خوراکی نیز با رشد متوسط سالانه ۱۶/۱۸ درصد رشد به ترتیب به ۴۴۴۶۷ و ۶۴۷۹۱ هزار ریال افزایش یافته است. یکی دیگر از شاخص مهم برای تغییرات سطح رفاه خانوار، نسبت هزینه های غیر خوراکی به خوراکی می باشد. به طور معمول بالا بودن این سهم نشان دهنده افزایش سطح رفاه خانوار می باشد. این نسبت در جامعه ی روستایی گیلان تا سال ۱۳۸۹ تقریباً ثابت مانده است اما در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ با نوساناتی تا سطح ۱/۴۶ بهبود یافته است.

طی دوره (۸۴-۱۳۹۳) متوسط درآمد کل خانوارهای روستایی با رشد متوسط سالانه ۱۹/۱ درصد از رقم ۲۷۸۲۹ هزارریال (ماهانه حدود ۲۳۱۹ هزار ریال) در سال ۱۳۸۴ به ۱۳۴۴۱۲ هزار ریال (ماهانه حدود ۱۱۲۰۱ هزار ریال) در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. همچنین سهم اجزای تشکیل دهنده آن: درآمد از مشاغل مزد و حقوق بگیری از ۲۵/۲ درصد به ۲۹/۶ درصد در سال ۱۳۹۳ و درآمد متفرقه از ۳۰ درصد به ۴۷/۹ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است و سهم درآمد از مشاغل آزاد از ۴۴/۷ درصد به ۳۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است.

همچنین طی دوره مذکور خانوار روستایی با کسری درآمد مواجه بوده است به طوری که میزان کسری درآمد خانوار از رقم ۱۰۱۸۹ هزار ریال (ماهانه حدود ۸۴۲ هزار ریال) در سال ۱۳۸۴ به ۱۲۷۸۳ هزار ریال (ماهانه حدود ۱۰۶۵ هزار ریال) در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است و به عبارت دیگر توان اقتصادی خانوارهای روستایی به شدت تحلیل رفته است و در عمل خانوارهای روستایی استان گیلان توان پس انداز ندارند.

درآمد کل خانوار به قیمت ثابت ۱۳۹۰ با کاهش سالانه معادل ۳/۷ درصد از رقم ۱۰۳۸۴۰ هزار ریال (ماهانه حدود ۸۶۵۳ هزار ریال) به ۶۶۹۷۴ هزار ریال (ماهانه حدود ۵۵۸۱ هزار ریال) در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است، همچنین اجزای آن: درآمد از مشاغل مزد و حقوق بگیری سالانه ۵/۱ درصد، درآمد از مشاغل آزاد سالانه ۹/۸ درصد کاهش یافته است. در واقع افزایش تورم طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴ به اندازه ای بوده است که میزان درآمد خانوار طی نه سال مورد اشاره بر حسب قیمت‌های ثابت نزولی بوده و در واقع یک خانوار روستایی در سال های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲ علی رغم دریافت یارانه نقدی ماهانه، قدرت خریدش به اندازه تهیه سبد هزینه ها در حد سبد خانوار سال ۱۳۸۴ هم نبوده است. به عبارت دیگر خانوار روستایی نتوانسته است سطح درآمد و سطح هزینه ها خود را در حد تورم پوشش دهد و در نتیجه سطح رفاه خانوار طی دوره فوق کاهش یافته است. همان طور که ملاحظه می شود ارزش درآمد افراد مزد و حقوق بگیر سالانه ۵/۱ درصد و درآمد آزاد مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی سالانه ۹/۸ درصد کاهش

یافته است یعنی قدرت خرید درآمد افراد مزد حقوق بگیر در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۴ معادل ۴۰ درصد و درآمد آزاد مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۴ معادل ۶۰ درصد کاهش قدرت خرید داشته است. ساختار اقتصاد روستایی در کشور نشان می‌دهد سهم ارزش افزوده هر یک از بخش‌های اقتصادی در کل تولید ناخالص داخلی روستایی، به چه اندازه بوده است. به عبارت دیگر، در تعیین ساختار اقتصاد روستایی کشور، بخش کشاورزی با ۳۸ درصد، بخش معدن با ۲۷/۶ درصد و بخش صنعت با ۱۹/۳ درصد عمده‌ترین سهم تولید ارزش افزوده را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار زیر سهم ارزش افزوده به تفکیک رشته فعالیتهای اقتصادی و تولیدی یا خدماتی بودن فعالیتها را نقاط روستائی نشان می‌دهند:

۵-۱-۱- وضعیت اجتماعی

میانگین سنی جمعیت روستایی استان برای مردان و زنان روستایی به ترتیب از ۲۳ و ۲۳/۶ سال در سال ۱۳۶۵ به ۳۴/۲ سال برای مردان و ۳۵/۳ سال برای زنان در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در همین دوره زمانی میانگین سنی مردان استان از ۲۳/۲ سال به ۳۳/۶ سال و میانگین سنی جمعیت زنان استان از ۲۳/۲ سال به ۳۳/۴ سال افزایش یافته است. بنابراین طی سالهای ۹۰-۱۳۶۵ میانگین سنی جمعیت روستایی در مقایسه با میانگین سنی جمعیت استان با شتاب بیشتری افزایش یافته، به نحوی که در سال پایانی این دوره (۱۳۹۰) میانگین سنی جمعیت روستایی در سطحی بالاتر از میانگین سنی جمعیت استان قرار دارد.

طی سالهای ۹۳-۱۳۸۰ نسبت ازدواج به طلاق در مناطق روستایی استان از ۲۷ به ۵ کاهش یافته و بیانگر آن است که در سال ۱۳۸۰ از هر ۲۷ ازدواج در مناطق روستایی استان یک مورد به طلاق منجر شده، درحالیکه در سال ۱۳۹۰ از هر ۵ ازدواج یک مورد به طلاق انجامیده است. این شاخص در سطح استان از عدد ۱۶ در سال ۱۳۸۰ به عدد ۳/۴ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. شاخص نسبت جنسی افراد برحسب وضع زناشویی، تفاوت تعداد مردان و زنان را در هریک از وضعیت های زناشویی به گونه ای صریح تر نمایش می‌دهد. با توجه به این شاخص می‌توان ادعان داشت که در طول سال های ۹۰-۱۳۳۵، تعداد مردان و زنان دارای همسر نسبتا برابر،

تعداد مردان بی همسر بر اثر فوت همسر و بی همسر بر اثر طلاق همسر، بسیار کمتر از تعداد زنان بی همسر بر اثر فوت همسر و بی همسر بر اثر طلاق همسر و در نهایت تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده بسیار بیشتر از تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده می باشد.

۶-۱-۱- وضعیت کالبدی و زیر بنایی

شاخص درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی استان: اطلاعات مربوط به تعداد و درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی استان گیلان تا پایان سال ۱۳۹۴ در قالب جدول (۴) آورده شده است. بر این اساس، از مجموع ۲۹۱۴ روستای استان در سال یاد شده، ۲۰۰۲ روستا معادل ۶۹ درصد کل روستاها، دارای مطالعه طرح هادی می باشند. با توجه به تفاوت بسیار زیاد شهرستانها از نظر تعداد روستاها، بیشترین مقدار مطلق روستاهای دارای مطالعه طرح هادی در شهرستانهایی مشاهده می شود که از تعداد روستاهای بیشتری نیز برخوردارند. از این حیث، شهرستانهای رشت، رودسر و تالش که دارای بیشترین تعداد روستا هستند، از بیشترین تعداد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی نیز برخوردارند. اما از نظر درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی در هر شهرستان، می توان شهرستانهای صومعه سرا، شفت و رشت را نام برد که از مجموع روستاهای شهرستانهای یاد شده، به ترتیب ۹۳، ۹۱ و ۹۰ درصد آنها دارای مطالعه طرح هادی هستند. همچنین شهرستانهای سیاهکل (۴۹ درصد)، آستارا (۵۴ درصد) و رودسر (۵۷ درصد) از کمترین میزان روستاهای دارای مطالعه طرح هادی برخوردارند.

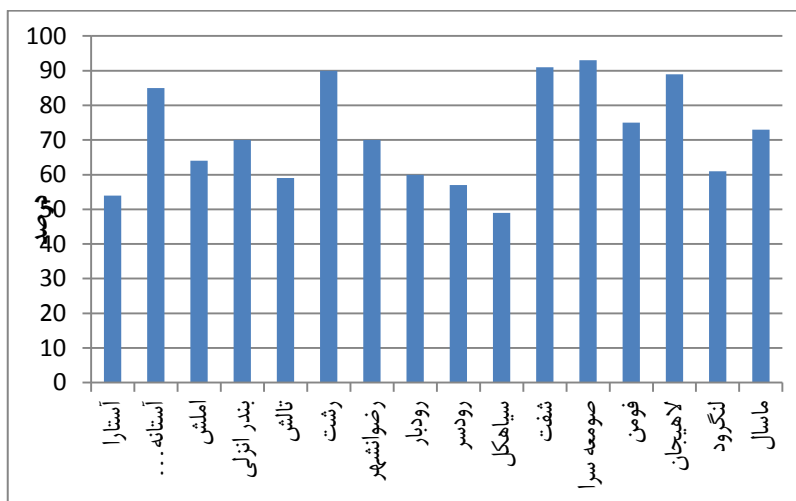
جدول ۴- روستاهای دارای مطالعه طرح هادی استان گیلان: ۱۳۹۴

شهرستان	تعداد کل روستاها	تعداد روستاهای دارای طرح هادی	درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی
استان	۲۹۱۴	۲۰۰۲	۶۹
آستارا	۸۰	۴۳	۵۴
آستانه اشرفیه	۹۶	۸۲	۸۵
املش	۱۴۶	۹۳	۶۴

شهرستان	تعداد کل روستاها	تعداد روستاهای دارای طرح هادی	درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی
بندر انزلی	۲۷	۱۹	۷۰
تالش	۳۶۷	۲۱۶	۵۹
رشت	۲۸۵	۲۵۶	۹۰
رضوانشهر	۱۱۵	۸۰	۷۰
رودبار	۲۰۵	۱۲۴	۶۰
رودسر	۴۲۳	۲۴۰	۵۷
سیاهکل	۲۴۹	۱۲۱	۴۹
شفت	۹۹	۹۰	۹۱
صومعه سرا	۱۵۱	۱۴۱	۹۳
فومن	۱۶۹	۱۲۶	۷۵
لاهیجان	۱۸۶	۱۶۵	۸۹
لنگرود	۲۰۸	۱۲۷	۶۱
ماسال	۱۰۸	۷۹	۷۳

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان، ۱۳۹۵

مطابق نمودار شماره (۹) نیز بیشترین مطالعات انجام شده در روستاهای استان متعلق به شهرستانهای صومعه سرا، شفت و رشت بوده و کمترین درصد روستاهای دارای طرح هادی مربوط به شهرستانهای سیاهکل، آستارا و رودسر می باشد.



نمودار ۹- درصد روستاهای دارای مطالعه طرح هادی به تفکیک شهرستان

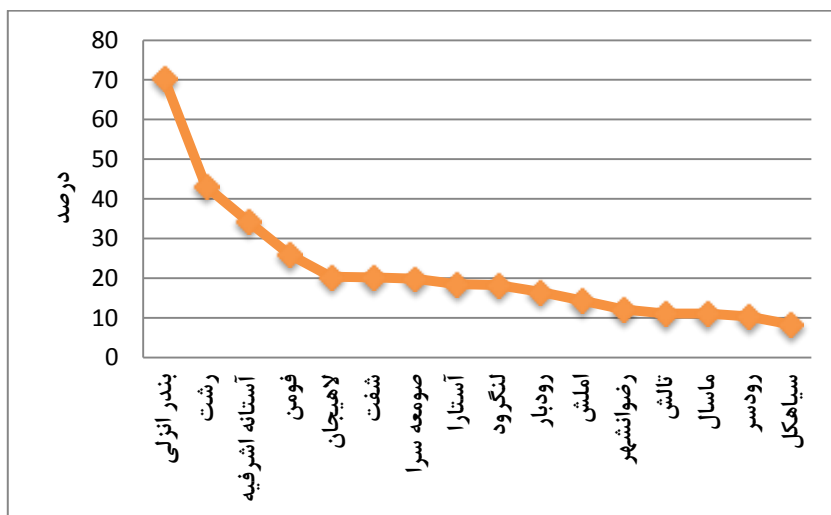
هدف از بهسازی، تجدید حیات و به روز کردن سازمان فضایی- کالبدی بافت روستایی مطابق با نیازهای امروزی است. طبق آخرین گزارش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان که در قالب جدول (۱۷) آورده شده، ۱۸/۸ درصد روستاهای استان بهسازی شده است که این تعداد روستا، ۳۰/۶ درصد خانوار روستایی و ۳۰/۲ درصد جمعیت روستایی استان را تحت پوشش روستاهای بهسازی شده قرار می‌دهد. به طوری که بهسازی روستاهای شهرستان‌های بندر انزلی با (۷۰/۴) درصد، رشت با (۴۳/۲) درصد، آستانه اشرفیه با (۳۴/۴) درصد، فومن با (۲۶) درصد، لاهیجان با (۲۰/۴) درصد، شفت با (۲۰/۳) درصد و صومعه‌سرا با (۱۹/۹) درصد در سطحی بالاتر از متوسط استان (۱۸/۸) می‌باشند که نشان‌دهنده وضعیت مطلوب‌تر مناطق روستایی شهرستان- های فوق نسبت به سایر شهرستان‌های استان است و به ترتیب شهرستان‌های سیاهکل، رودسر، ماسال، تالش، رضوانشهر، املش، رودبار، لنگرود و آستارا از درصد روستاهای بهسازی شده

کمتری نسبت به سطح استان برخوردار می‌باشند. نمودار (۱۰) نیز این روند را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۵- وضعیت روستاهای بهسازی شده استان گیلان در سال ۱۳۹۲

درصد جمعیت تحت پوشش بهسازی روستایی	درصد خانوار تحت پوشش بهسازی روستایی	درصد روستاهای بهسازی شده	شهرستان
۳۰,۲	۳۰,۶	۱۸,۸	استان
۳۶,۷	۳۶,۸	۱۸,۵	آستارا
۴۹,۱	۴۹,۱	۳۴,۴	آستانه اشرفیه
۲۲,۱	۲۲,۱	۱۴,۴	املش
۷۸,۹	۷۸,۸	۷۰,۴	بندر انزلی
۱۹,۳	۱۹,۴	۱۱,۱	تالش
۴۴,۳	۴۴,۳	۴۳,۲	رشت
۱۶,۱	۱۷,۱	۱۲,۲	رضوانشهر
۲۸	۲۸	۱۶,۶	رودبار
۱۷,۶	۱۷,۵	۱۰,۴	رودسر
۱۷,۳	۱۷,۳	۸,۴	سیاهکل
۲۲,۴	۲۲,۴	۲۰,۲	شفت
۲۰,۹	۲۰,۹	۱۹,۹	صومعه سرا
۳۴,۳	۳۴,۲	۲۶	فومن
۳۳	۲۳	۲۰,۴	لاهیجان
۳۰,۲	۳۰,۲	۱۸,۳	لنگرود
۱۵,۴	۱۵,۴	۱۱,۱	ماسال

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان



نمودار ۱۰- درصد روستاهای بهسازی شده استان

بررسی وضعیت روستاهای تجمیع شده به کل روستاهای زیر ۲۰ خانوار استان گیلان براساس اطلاعات مندرج در جدول (۶) در سال ۱۳۹۲ بیشترین درصد روستاهای تجمیع شده زیر ۲۰ خانوار بین شهرستان‌های استان در نقاط روستایی متعلق به شهرستان بندر انزلی بوده که به طور متوسط ۶۶/۷ درصد روستاهای زیر ۲۰ خانوار آن تجمیع شده است و بعد از آن شهرستان لاهیجان با ۳۹/۸ درصد در رتبه دوم و شهرستان رشت و ماسال با ۳۳/۳ درصد در رتبه سوم استان قرار دارد؛ و کمترین درصد روستاهای تجمیع شده زیر ۲۰ خانوار در سال ۱۳۹۲ متعلق به شهرستان فومن با ۳/۷ درصد می‌باشد و قابل ذکر است شهرستان صومعه‌سرا در شاخص مذکور صفر بوده است.

جدول ۶- درصد روستاهای تجمیع شده به کل روستاهای زیر ۲۰ خانوار استان گیلان -

سال ۱۳۹۲

شهرستان	کل روستاهای زیر ۲۰ خانوار	تعداد روستاهای تجمیع شده زیر ۲۰ خانوار	درصد روستاهای تجمیع شده به کل روستاهای زیر ۲۰ خانوار
استان	۵۹۱	۷۰	۱۱,۸
آستارا	۱۹	۲	۱۰,۵
آستانه اشرفیه	۶	۱	۱۶,۷
املش	۳۹	۷	۱۷,۹
بندر انزلی	۳	۲	۶۶,۷
تالش	۷۱	۷	۹,۹
رشت	۱۲	۴	۳۳,۳
رضوانشهر	۲۳	۱	۴,۳
رودبار	۴۶	۳	۶,۵
رودسر	۱۴۴	۱۵	۱۰,۴
سیاهکل	۸۳	۹	۱۰,۸
شفت	۶	۱	۱۶,۷
صومعه سرا	۷	۰	۰,۰
فومن	۲۷	۱	۳,۷
لاهیجان	۱۸	۷	۳۸,۹
لنگرود	۷۲	۵	۶,۹
ماسال	۱۵	۵	۳۳,۳

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان

۲-۱- تنگناها و چالش‌ها توسعه روستایی، عشایری و توانمندسازی گروه‌های کم

درآمد

۱- عدم وجود دیدگاه مشترک در اجرایی و عملیاتی نمودن طرح‌های فرادست در حوزه

های روستایی

- ۲- عدم توسعه و تجهیز منظومه ها، مجموعه ها و حوزه های روستایی در چارچوب سلسله مراتب عملکردی در نظام روستایی
- ۳- عدم دسترسی به سرمایه و امکانات در جامعه روستایی
- ۴- عدم تنوع در فعالیت های اقتصادی روستاها
- ۵- عدم توازن شاخص های توسعه ای (اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی) بین مناطق روستایی و همچنین مناطق روستایی و شهری
- ۶- عدم مدیریت یکپارچه وضعف هماهنگی بین دستگاه های اجرایی و وجود تعارض، تداخل و خلاء در قوانین و مقررات مرتبط با توسعه روستایی
- ۷- فقدان ساختار شبکه ای در نظام روستایی
- ۸- وجود اشتغال ناقص و فصلی در روستاها
- ۹- ناپایداری جمعیت روستایی استان
- ۱۰- کاهش انگیزه نیروی کار جوان روستایی
- ۱۱- سنددار نبودن عمده املاک، مستغلات و اراضی روستایی و عشایری
- ۱۲- ضعف مشارکت های مردمی در مدیریت روستا
- ۱۳- ضعف دانش مدیریت محلی روستا
- ۱۴- بالا بودن هزینه های خدمات رسانی به نقاط روستایی استان به دلایلی همچون پراکندگی سکونت گاه های روستائی و بافت کالبدی روستایی
- ۱۵- پراکندگی و توزیع نامتعادل جمعیت در مناطق روستایی
- ۱۶- روند نامناسب تبدیل روستاها و تجمیع آنها برای ایجاد شهرهای جدید
- ۱۷- تغییر کاربری غیر مجاز در اراضی مناطق روستایی
- ۱۸- تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و بهره برداری نامتناسب از قابلیت های محیطی روستاها

۱۹- تاب آوری پائین و آسیب پذیری سکونت گاه های روستایی در مقابل مخاطرات طبیعی

۲۰- غلبه نگاه کالبدی در اجرای طرح های هادی و کم توجه ای به جنبه های اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی و غیره

۲۱- عدم توجه به گردشگری روستایی و عشایری و کمبود زیرساخت های مرتبط با توسعه

گردشگری

۲۲- عدم وجود سامانه جامع آمار و اطلاعات روستایی مرتبط با تولید و خودمصرفی

۲۳- ضعف شبکه اطلاع رسانی به هنگام، کارا و مؤثر در زمینه های فناوری های جدید در

کشاورزی، آموزش کشاورزان و انتقال مفاهیم بخش کشاورزی، انعکاس طرح های

موفق کشاورزی و اطلاع رسانی سیاست های بازرگانی و تولیدی وزارت جهاد کشاورزی

۲۴- عدم بهره گیری از ظرفیت های موجود در پروژه های خوشه های صنعتی شالی کوبی،

برنج، چای، زیتون و ... در راستای توسعه روستایی استان گیلان و توانمندسازی

روستاییان

۲۵- توزیع نامتوازن منابع مالی و سرمایه ای بین نقاط روستایی استان

۲۶- نبود توجه به روستاهای با جمعیت زیر ۲۰ خانوار به عنوان آسیب پذیر ترین روستاها و

خارج بودن آنها از حوزه ی نظام برنامه ریزی

۲۷- عدم بهره گیری از الگوهای معماری بومی و سنتی و همساز با اقلیم

۲۸- عدم توجه کافی به میراث های روستایی استان (ورزش، موسیقی، پوشش، سنت ها و

...)

۲۹- پایین بودن شاخص برخورداری آسفالت روستایی استان از متوسط کشور و کمبود شدید

مصالح خام جهت عملیات راه سازی

۳۰- بالا بودن میزان هدر رفت آب در شبکه ها و تاسیسات آبی نقاط روستایی استان

۳۱- پایین بودن شاخص میزان بهره مندی خانوارهای روستایی از آب شرب و فقدان شبکه

ی فاضلاب روستایی

۳۲- پایین بودن سطح کیفی منابع آب شرب مناطق جلگه ای و حاشیه مرداب ها به دلیل بالا بودن پارامتر های شیمیایی (آهن - منگنز - آمونیوم و...)

۲- برنامه راهبردی توسعه روستایی و توانمند سازی روستاییان

۲-۱- اهداف کلی و راهبردهای توسعه روستایی، عشایری و توانمند سازی گروه های

کم درآمد

اهداف کلی	راهبردهای دستیابی به اهداف کلی	ردیف
افزایش سطح برخورداری جامعه روستایی از امکانات و خدمات زیرساختی	افزایش سطح برخورداری روستاهای استان از زیرساخت ها	۱
بهبود مدیریت و ارتقاء نظام خدمات رسانی روستایی	توسعه ی پوشش خدماتی در مناطق روستایی به ویژه خدمات نوین	۲
	تقویت و توسعه ی مدیریت یکپارچه روستایی	
افزایش سطح پایداری اقتصاد روستایی	توانمند سازی اقتصادی نقاط روستایی استان	۳
توسعه کالبدی و ارتقای هویت روستا	ارتقای کیفیت محیطی کالبدی سکونتگاه روستایی	۴
	توسعه کالبدی روستا متناسب با ویژگی های بومی_ محلی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی	
	انتظام فضایی سکونت گاه های روستایی	

۲-۲- اهداف کمی سند توسعه روستایی

۳-۲- راهبردهای دستیابی به اهداف کلی، سیاست ها و اقدام های اساسی بخش

توسعه ی روستایی، عشایری و توانمند سازی گروه های کم درآمد

ردیف	راهبرد	سیاست	اقدام های اساسی
۱	افزایش سطح برخورداری روستاهای استان از زیرساخت ها	توسعه زیرساخت های سکونتگاه های روستایی استان بر اساس نظام خدمات رسانی روستایی با رویکرد آمایشی	-بهسازی، آسفالت، ارتقاء و نگه داری راه های روستایی استان
			- تامین مصالح خام مورد نیاز بهسازی و آسفالت راه های روستایی استان با بهره گیری از تکنولوژی نوین و سازگار با شرایط بومی
			- توسعه، اصلاح و بهسازی خطوط شبکه و انتقال آب شرب روستایی
			-هوشمندسازی سامانه های آبرسانی (تله متری و تله کنترل)
			-توسعه و استقرار سیستم های تصفیه فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی آب شرب
			-ایجاد شبکه های جمع آوری و تصفیه فاضلاب روستایی
			-به هنگام سازی و عملیاتی نمودن طرح های هادی تهیه شده در روستاهای استان(هدایت روانابهای سطحی، اصلاح معابر، توسعه فضای سبز و ...)
			-برقرسانی به روستاهای پراکنده، جنگلی و کوچک استان با بهره گیری از انرژی های نو
-توسعه، اصلاح، بهسازی و تقویت شبکه های انتقال و توزیع برق و گاز روستایی			
۲	توسعه پوشش خدماتی در مناطق روستایی به ویژه خدمات نوین	تسهیل دسترسی روستاییان به خدمات نوین	توسعه پوشش اینترنت در مناطق
			توسعه شبکه تلفن همراه
			ظرفیت سازی و توسعه شبکه بانکداری الکترونیک
			توسعه خدمات دولت الکترونیک در مناطق روستایی
		ایجاد مراکز خدمات فناوری و کسب و کار	
افزایش برخورداری روستاییان از خدمات	ایجاد فضاهای ورزشی، آموزشی، فرهنگی و هنری براساس طرح های هادی مصوب و نظام سطح بندی خدمات		

ردیف	راهبرد	سیاست	اقدام های اساسی	
۳	تقویت و توسعه مدیریت یکپارچه روستایی	توسعه و ایجاد وحدت رویه در مدیریت محلی مناطق روستایی	روستایی پایش و ارزیابی منظم شاخص های برخورداری مناطق روستایی	
			توسعه کانون ها و تشکل های محلی	ایجاد تشکل های مردم نهاد (تشکل های آب بران، نهادهای داوری و ...)
			توسعه و ایجاد وحدت رویه در مدیریت محلی مناطق روستایی	افزایش روستاهای برخوردار از پوشش مدیریت روستایی (دهیاری)
				آموزش و توانمند سازی دهیاران و اعضای شورا های اسلامی روستا
				فرهنگ سازی در زمینه وظایف شورا های اسلامی روستا ، کارکردهای آن و انتظارات مردمی
				گسترش نظارت عالی بر عملکرد مدیریت روستایی
				استفاده از ظرفیت اشکال سنتی کارای غیر رسمی در مدیریت روستایی
				ایجاد وحدت رویه و هماهنگی مدیریت روستاهای همگن از سوی نهادهای تصمیم گیر فرادست
				تدوین برنامه های راهبردی روستا در سطوح مختلف متناسب با اسناد توسعه بالادست و هدایت یکپارچه منابع مالی در جهت تحقق برنامه های مذکور
				تقویت و توسعه فضای کسب و کار
توانمند سازی اقتصادی نقاط	تقویت بنیه اقتصادی و تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی روستایی	شناسایی، معرفی و حمایت از ایده های نو محلی در راستای توسعه کارآفرینی		
		سند دار کردن دارایی های فیزیکی		
		تجهیز واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی به فناوری های متناسب روز و استانداردهای ملی و جهانی		
			تهیه و اجرای طرح های توسعه گردشگری و بوم گردی در مناطق روستایی	

اقدام های اساسی	سیاست	راهبرد	ردیف
استقرار واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی در نقاط روستایی استان		روستایی استان	
مطالعه، کشت و بهره برداری بهینه از گیاهان دارویی و صنعتی در عرصه های منابع طبیعی			
اجرای طرحهای جنگل کاری و زراعت چوب			
توسعه کشت های گلخانه ای و بانک نشاء			
تولید آبزیان در آب های داخلی			
تقویت تشکل های زنجیره تامین و توزیع نهاده ها، محصولات کشاورزی و صنایع دستی			
استفاده از توان تولید صنعتی روستاییان به عنوان زنجیره پایین دستی صنایع بالادست	توسعه خوشه ها و زنجیره های ارزش		
برگزاری نمایشگاه های دائمی و جشنواره های محصولات سالم کشاورزی و صنایع دستی			
اجرای برنامه های آموزشی - مهارتی و اعتباری برای توسعه مشاغل خانگی (حضور و مجازی)			
اجرای دوره های آموزش مهارت های حرفه ای و کسب و کار روستایی (حضور و مجازی)	توسعه آموزش های فنی حرفه ای و مهارتی		
اجرای دوره های آموزشی - مهارتی صنایع دستی به روستاییان			
ترویج عملی شیوه های موفق کشاورزی مکانیزه و نوین با ایجاد نمونه های عینی در نقاط روستایی			

ردیف	راهبرد	سیاست	اقدام های اساسی
۴	ارتقای کیفیت محیطی کالبدی سکونتگاه روستایی	بهسازی، نوسازی و ایمن سازی سکونتگاه های روستایی	ارائه تسهیلات ویژه، بکارگیری سیاست های تشویقی و حمایتی جهت بهسازی، نوسازی و مقاوم سازی واحدهای مسکونی
	-توسعه کالبدی روستا متناسب با ویژگی های بومی - محلی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی	حفظ هویت بومی - محلی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بافت کالبدی روستاها به عنوان میراث فرهنگی	مطالعه در زمینه تدوین ضوابط ساخت و ساز در نقاط روستایی استان متناسب با هویت بومی - محلی طراحی الگوی بهینه سیمای روستاهای استان متناسب با هویت بومی - محلی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی
	-انتظام فضایی سکونتگاههای روستایی	گسترش تعاملات و تقویت پیوند روستایی - شهری در چارچوب شبکه های محلی	- توسعه امکانات عمومی و زیربنایی در مناطق روستایی بر پایه سلسله مراتب عملکردی (منظومه، مجموعه و حوزه)
		استقرار نظام پایش جریان های مهاجرتی روستا- شهری در پهنه سرزمین	تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی مناطق با استفاده از پتانسیل های محیطی